

نقش ارتباطات و اطلاع‌رسانی در توسعه روستایی

علی شاه‌شجاعی^۱

چکیده: توجه به ارتباطات و اطلاع‌رسانی و فن‌آوری‌ها مربوط به آنها، یکی از ارکان مهم برنامه‌ریزی‌های ملی و توسعه روستایی در کشورهای مختلف جهان است. این برنامه‌ریزی‌ها بر کاربرد، اشاعه و فراگیری وسایل و فن‌آوری‌های مناسب ارتباطی و اطلاعاتی با توجه به شرایط و زیرساخت‌های منطقه‌ای و بومی هر کشور تأکید دارند.

بدین منظور از سوی پژوهشگران کشورهای پیشرفته و در حال توسعه و برخی از سازمان‌های بین‌المللی، در زمینه کارکردهای ارتباطات و وسایل مربوط به آنها تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است که توجه به برخی از آنها می‌تواند برای کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما راهگشا و مفید باشد.

مقدمه

در دهه‌های گذشته، مقوله ارتباطات و اطلاع‌رسانی به واسطه شرایط بین‌المللی و جاذبه‌های جهانی، بسیار مدنظر صاحب‌نظران قرار گرفته است.

از ارتباطات و اطلاعات به‌عنوان دو رکن اساسی در تحکیم استقلال و وحدت ملی و پیشبرد برنامه‌های عمرانی یاد می‌شود؛ به عبارت دیگر در بسیاری از کشورها از ارتباطات به مثابه اهمی توانا و نیرومند در برنامه‌های توسعه ملی کمک گرفته شده است. به دلیل این اهمیت، پژوهشگران غربی و جهان سومی و برخی از سازمان‌های بین‌المللی همچون یونسکو، و سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (فائو) در زمینه کاربردهای اطلاع‌رسانی و ارتباطات در توسعه ملی، تحقیقات فراوانی انجام داده‌اند که توجه به نمونه‌های معتبر و قابل توجه آنها می‌تواند در پیشبرد اهداف مشابه در کشورهای مختلف از جمله کشور ما نیز سودمند باشد.

برنامه‌ریزی‌های انجام شده بیشتر بر کاربرد وسائل و فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر پایه تحقق اهداف از پیش تعیین شده استوار بوده است. افزون بر این، پیش‌بینی‌های خاصی به‌منظور پیشرفت و گسترش ارتباطات و کارایی هر چه بیشتر آنها در جهت تحقق اهداف ملی در کشورهای خاص صورت گرفته است. بدین جهت لازم است ابتدا نقش ارتباطات در توسعه ملی و روستایی بیان شود، آنگاه به فن‌آوری مناسب و کارایی و ثمربخشی آنها در فرایندهای ارتباطات خواهیم پرداخت و از این رهگذر، ضمن بر شمردن الگوهای موفق به نقش و کارکردهای ارتباطات و اطلاع‌رسانی و فن‌آوری‌های وابسته در این زمینه‌ها به بحث خواهیم نشست.

ارتباطات و توسعه

اهمیت و نقش ارتباطات برای اهداف توسعه از زمان‌های قبل شناخته شده است، اما کاربرد مناسب آن در اجرای اهداف توسعه بسیار محدود بوده است. علی‌رغم تلاش‌های متنوع و نظام‌نایافته که توسط محافل و سازمان‌های دست‌اندرکار جهت به‌کارگیری وسایل ارتباطی صورت گرفته، غالباً این مساعی در کشورهای در حال توسعه با شکست مواجه شده‌اند. بنابراین، برنامه‌ریزان توسعه توجه وافی و جدی به این مهم نکرده‌اند. ارتباطات به حدی پایه‌ای و اساسی برای توسعه است که جان لی^۱ تصریح می‌کند که رابطه مستقیمی بین عقب ماندگی یک کشور و نظام ارتباطی آن وجود دارد.^۲

نقش ارتباطات و فن‌آوری رسانه‌های جمعی در فرایند تغییرات اجتماعی، رشد اقتصادی و تحولات سیاسی در کشورهای در حال توسعه مشخصاً از اوایل قرن ۱۹ آغاز می‌شود. در حقیقت شیوه ارتباطات تا این دوره به سبک قدیمی و عمدتاً به صورت ارتباطات میان فردی بوده است. بررسی پدیده‌ها در خاورمیانه، آمریکای لاتین و آسیا در قرن حاضر، نشان‌دهنده تلفیق ارتباطات به شیوه قدیم و جدید بوده که به فراخور ساخت و نظام تشکیلاتی کشورها به‌کار گرفته شده است.^۳

هر بحث و نظری درباره ارتباطات و توسعه می‌باید از تجزیه و تحلیل اساسی شروع شده تا بهتر بتوان عناصر و مفاهیم آنها را دریافت. به عبارت بهتر نمی‌توان تعامل و کنش‌پذیری میان ارتباطات و توسعه را بدون تعمق و شناخت صحیح از ماهیت مفاهیم آن دریافت.

در هر حال، در مورد مفهوم توسعه دیدگاه‌های مختلف و گاه متضادی در قرن اخیر وجود دارد. اما آنچه که بیشتر بر آن تأکید می‌شود این است که توسعه به‌عنوان چارچوب مفهومی

برای تغییرات فردی، نهادی، ملی و بین‌المللی برای "پیشرفت" بعد از جنگ جهانی دوم به کار گرفته شد. در دهه ۱۹۴۰ و خصوصاً ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، واژه "توسعه" به معنای رشد، تجددگرایی، تغییر، دموکراسی، بهره‌وری، نهادینه کردن و تغییرات تاریخی اجتماعی در غرب انگاشته می‌شد. این مفاهیم ابتدا توسط روشنفکران آمریکا تبلیغ می‌شد و سپس از طریق سیاستمداران به اروپا و از آنجا به کشورهای در حال توسعه گسترش یافت، و از آن زمان این واژه علی‌رغم تعابیر متشدد و متنوع، در تمامی محافل و سازمان‌های سراسر جهان به کار گرفته می‌شود.^۱

اخیراً اصطلاح "توسعه ارتباطات" به منظور توصیف شکلی از ارتباط که به توسعه کمک می‌کند، به کار گرفته می‌شود. این امر ناظر بر تغییر و تحول سریع یک جامعه به یک جامعه پویا و فعال در زمینه اقتصادی است که برابری، عدالت، و دموکراسی به طور روزافزونی در آن شکوفا می‌شود. امروزه واژه توسعه، چه به عنوان یک فرایند و چه به عنوان مفهومی که به یک پدیده تکاملی یا انقلابی اشاره دارد، به طور عام با تعابیر زیر به کار برده می‌شود:

۱. تجددگرایی، ملی‌گرایی، و توسعه سیاسی؛

۲. توسعه اقتصادی و اشاعه فن‌آوری؛

۳. امپریالیسم و توسعه نیافتگی؛

۴. انقلاب، لیبرالیسم و توسعه انسانی؛

فلورانگل^۲ فرایند توسعه در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه را در شناخت و بهره‌گیری از تجربیات مناسب که به مشارکت فزاینده آحاد مردم منتج می‌شود، می‌داند. بنابر نظر او، ارتباط توسعه‌ای فرایند است نه فن؛ این فرایند در برگیرنده چهار عامل اساسی است که متشکل از کلیه دست‌اندرکاران ارتباطات و مروجان، رسانه‌ها، مردم، نظام‌ها و ارگان‌های سازمانی است.^۳

میردال و گولیت^۴ به توسعه به عنوان حرکتی از پایین به بالا در نظام نگاه می‌کنند؛ در چنین شرایطی مردم دست به دست هم می‌دهند تا جامعه به بهبود اقتصادی، عدالت اجتماعی، دموکراسی و برابری دست یابد.

گولیت نقطه نظر خود در مورد توسعه را چنین ادامه می‌دهد: "توسعه باید به وسیله ارزش‌های جامعه برای رفاه و آسایش و بهداشت که یک ضرورت است، سنجیده شود. بنابراین، توسعه به مفهوم رشد و بلوغ و بالا بردن کیفیت جوامع انسانی است. توسعه صرفاً به منافع مادی یک ملت نمی‌اندیشد، بلکه فرایندی است که منتج به سروری و حاکمیت ملت نسبت به

1. Mowlana, 1988, P.8.

2. Florangel, 1983, P.12

3. Woods, 1977.

4. Mirdal and Goulet

سرنوشت خویش نیز می‌شود!^۱

تعریف دیگری از توسعه بر جنبه کیفی تأکید می‌کند:

"توسعه را معمولاً به قابلیت و توان به کارگیری شیوه‌های مطلوب و فن‌آوری مناسب به منظور افزایش ظرفیت و کیفیت تولید (تولید به معنای عام آن) تعبیر می‌کنند"^۲.

بدیهی است صرف افزایش ظرفیت تولید، که به عنوان رشد از آن یاد می‌شود، به معنای روی دادن توسعه نیست. برای بهبود کیفی و کمی تولید، یک سلسله حرکت‌هایی صورت می‌گیرد که ناظر بر توسعه است: از قبیل بهینه کردن روش‌ها، شناخت و آگاهی و به کارگیری مواد خام یا پایه، درک درست از فن‌آوری مناسب و امثال آن. این درک و شناخت تنها با مطالعه و مقایسه اطلاعات مرتبط با زمینه‌های مورد بررسی حاصل می‌شود.

راجرز و شومیکر^۳ که از بزرگان علوم ارتباطات هستند و نظریاتی در زمینه ارتباط جمعی دارند توسعه را برابر با تجددگرایی می‌دانند:

"توسعه نوعی تغییر اجتماعی است که در آن عقاید نو در یک نظام اجتماعی معرفی می‌شود تا باعث بالا رفتن درآمد سرانه و سطح زندگی، از طریق روش‌های تولید بیشتر و سازمان اجتماعی شود". توسعه در یک نظام اجتماعی برابر با تجددگرایی است.^۴

بعضی از افراد به جنبه عدالت اجتماعی و اقتصادی توسعه تأکید کرده‌اند از جمله کورپوز^۵ اظهار می‌کند که توسعه حتی اگر بالاترین رشد و تولید ناخالص ملی را در کشور سبب شود، به معنای واقعی توسعه نیست، مگر آن‌که منابع کشور، به طور متناسب میان افراد جامعه تقسیم شود. عدالت و برابری جزء جدایی‌ناپذیر توسعه و رفاه، و آسایش بشری جوهره توسعه هستند.^۶

بالاخره توسعه باید به آزاد سازی انرژی انسان‌ها و به کارگیری قدرت آنها در جهت اهداف تعیین شده بیانجامد، در این فرایند آنچه که مهم است ماشین و فن‌آوری نیست، بلکه انسان است که در کلیه مراحل می‌باید مدنظر قرار گیرد.

امروزه مفهوم توسعه ارتباطات از جریانی خطی به جریان تعاملی مداوم و یا استدلالی تغییر یافته است. در برنامه‌ریزی خطی فرض بر آن است که معمولاً مرکزی در مناطق شهری به وجود می‌آید و دانش و اطلاعات را به گونه‌ای متمرکز و هدایت شده به سایر نقاط می‌فرستد.

1. Florangel, 1983, P.12

۲. خری، ۱۳۷۲، ص. ۳۶

3. Rogers and Shoemaker

4. Göran, 1982, P.34

5. Korpuse

6. Florangel, 1983, P.14.

بعد از دهه ۱۹۶۰، این طرز نگرش به شدت مورد انتقاد واقع شد، برمبنای نگرش نظریه پردازان، ارتباطات، دانش، منابع، و نوآوری لزوماً از منابع خارجی نشأت نمی‌گیرند، بلکه برعکس، ارتباطات به بررسی منابع موجود، بسط و گسترش فن‌آوری بومی، و برنامه‌ریزی از پایین به بالا^۱ و مشارکت مردمی استوار بوده و تأکید می‌ورزد.

بررسی و آزمایش‌های متخصصان ارتباطات به رهیافتی دو جانبه برمبنای تشخیص نیاز و مسائل مردم سوق یافته است. و کلیه برداشت‌ها و تعاریف برگرفته از توسعه، منبعت از این طرز تفکر است.

این رهیافت جدید، نگرش و روابط یک‌سویه میان فرستنده و گیرنده، مصاحبه‌کننده و پاسخ‌گو را مطرود می‌داند؛ این رهیافت به مردم این امکان را می‌دهد که از مسئولان دائماً پرسش کنند و نیازهای خود را بشناسند و منعکس کنند.

تئوری فرییر^۲ بر ارتباط خلاق که همواره تعامل پیوسته را میان برنامه‌ریزان و مردم تشویق و ترغیب می‌کند، تأکید می‌ورزد. وی معتقد است که زمانی آموزش به نهایت سودمندی خود می‌رسد که محتوای پیام با مشارکت و فعالیت و عکس‌العمل مردم تعیین و اشاعه یابد. بنابراین نظر می‌توان به نکات زیر در برنامه‌های ارتباطی و توسعه اندیشید و برنامه‌ریزی کرد:

- دریافت صادقانه‌ترین پاسخ‌ها از مردم؛

- تشویق مردم به اندیشیدن در مورد مسائل خود به جای انتخاب تحمیلی یکی از راه‌حل‌ها؛

- بیان اهداف و آرزوها و تشخیص بین خواسته‌ها و نیازها؛

- سازماندهی افراد متعدد از گروه‌ها به‌منظور شناخت هر چه بیشتر افراد برای مطالعه جهت

بررسی مشکلات آنها؛

- برقراری آزادی کامل میان برنامه‌ریزان و مردم^۳؛

محققان ارتباطات، ویژگی مهم توسعه را این می‌دانند که مردم به‌عنوان محور و عوامل اصلی در فرایند توسعه مطرح شوند. آنان تأکید می‌کنند که در توسعه، رفتارها و طرز فکرها، برای پیشبرد اهداف جامعه صورت می‌گیرد و هیچ یک از گروه‌های دیگر ارزش‌های خود را نباید تحمیل کنند. خلاقیت و خودجوشی به جای تقلید و منفعل بودن مطرح است. کشورهای در حال توسعه باید آگاهانه و عالمانه از تجربیات دیگران سودجویند و از بهترین نظریات در فرایند توسعه استفاده کنند.

گزارش فائو در سال ۱۹۹۵ زمینه مناسب برای توسعه را مشارکت همه جانبه مردم می‌داند

این سازمان اعلام می‌کند که:

"ارتباطات ملی برای توسعه، نیازمند بافتی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که مشارکت همه جانبه مردم را می‌طلبد" آیا جامعه به حدکافی آزاد است تا تبادل نظر و گفت‌وگو میان دست‌اندرکاران ارتباطات و مردم صورت گیرد؟ اگر چنین نیست به کارگیری سیاست‌های ارتباطی برای توسعه بی‌فایده است.^۱

نگاهی به دیدگاه‌های توسعه ارتباطات در قرن اخیر

در اینجا لازم است که نقطه‌نظر غرب و باورشناسی‌ها و نظریه‌های متأثر از این نوع نگرش را اجمالاً بررسی کنیم. نظریه پردازان اولیه ارتباطات بر ضرورت جریان آزاد اطلاعات، اقتصاد بازار آزاد، آزادی مطبوعات، و نظام‌های تجاری آزاد تأکید می‌ورزیدند. در این زمان، مهارت‌ها و نظرانی که به مردم القا و تبلیغ می‌شد ناشی از نظام ارزشی غرب و شیوه زندگی طبقه متوسط غربی بود. مردم باید از فرصت‌های بهتر در زندگی و ابراز عقاید بیشتر برخوردار باشند، و این نتیجه باید از تلاش‌های فردی به دست آید. در حقیقت آن چه که محققان ارتباطات در نظر داشتند و رسانه‌ها نیز آنها را تبلیغ و اشاعه می‌کردند، مصرف هر چه بیشتر کالاهای جدید توسط مردم بود. در واقع توسعه به زعم آنان، مصرف، ذخیره، و جمع کردن هر چه بیشتر کالاهای تجملی بود. این طرز نگرش نسبت به نقش رسانه‌ها، در مورد کشورهای در حال توسعه کارساز نبوده است. یعنی به کارگیری وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها به منظور تغییر و ایجاد نوگرایی در فرد، کمکی به اهداف توسعه نمی‌کند و تغییرات فردی در فرایند توسعه اهمیتی آن‌چنانی ندارد، آن چه مهم است و پایه‌ای، تغییر در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌باشد، مسائلی همچون مالکیت زمین، مالکیت وسایل تولید، تقسیم قدرت سیاسی و شرکت دادن آحاد مردم در تصمیم‌گیرها از اولویت برخوردارند. منیع نظریات تغییرات فردی در نظریه نوگرایی لورنر (۱۹۵۸) متجلی است.

روش او مبتنی بر این نکته است که زمانی که جمعیت کشور به ۱۰ درصد شهرنشین افزایش یابد، ۲۵ درصد رشد سواد و رسانه‌ها را در پی خواهد داشت و این امر به افزایش تولید ناخالص ملی و مشارکت هر چه بیشتر مردم در انتخابات خواهد انجامید.^۲ مشکل اساسی نظریه او این بود که متغیرهای آموزش، شهرنشینی و رشد، رسانه‌ها را به عنوان متغیرهای مستقل قلمداد می‌کرد، در حالی که این مؤلفه‌ها به عوامل دیگری همچون مشارکت در سیاست‌گذاری و

1. FAO, 1995, P.16

برنامه‌ریزی‌های ارتباطی، و منابعی که به آموزش اختصاص می‌یابند و همچنین نظام‌های به‌کارگیری در ارتباطات و رسانه‌ها، شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور وابسته بودند.

بعضی از نظریه‌های توسعه ارتباطات به‌صورت دستوری و به شکل عمودی، و یک طرفه بود. اندیشمندان این نظریه‌ها استدلال می‌کردند که با به‌کارگیری ارتباطات متمرکز و هدایت شده می‌توان پاره‌ای از رفتارها و عادات را از طریق ارسال پیام تغییر داد. در همین مورد عقیده بر این بود که ارتباطات جمعی می‌تواند برای مبارزه با مشخصات و معیارهای سنتی، مقتضیات اجتماعی و مذهبی و غلبه بر ترس مورد استفاده قرار گیرد.

برطبق نظر اینکلز و اسمیت^۱ یکی از اهداف اصلی رسانه‌ها، آموزش مهارت‌های جدید و آشنایی مردم با نوآوری‌هاست، این رسانه‌ها برای جامعه‌ای که سریعاً در حوزه‌های مختلف از جمله آموزش و پرورش، کشاورزی، بهداشت، مشارکت اجتماعی، مهارت‌های صنعتی و سوادآموزی در حال پیشرفت می‌باشد، بسیار ضروری است. آنان استدلال می‌کردند که آموزش مهارت‌های جدید باعث می‌شوند که مردم به‌طور دم‌افزونی به اطلاعات جدید نیاز پیدا کنند. شرام در سال ۱۹۶۷ معتقد بود که با تأسیس نظام ارتباطی همه‌جانبه می‌توان دانش و مهارت‌ها را به‌طور وسیع و با هزینه کم در اختیار عموم قرار داد. رسانه‌ها جایگزینی مطمئن برای کمبودها از جمله معلمان مدارس و مواد آموزشی خواهند بود.^۲

تعداد دیگری از متخصصان و اندیشمندان ارتباطات بر جنبه ملی‌گرایی رسانه‌ها تأکید می‌کردند. آنها اظهار می‌داشتند که ترکیب و بافت کشورهای در حال توسعه متشکل از فرهنگ‌ها، زبان‌ها، نظام‌های سیاسی و عقاید مذهبی مختلف است و این عوامل موانع اصلی تغییرات اجتماعی هستند. مردم نه تنها باید نسبت به پیشرفت‌های منطقه خود آگاهی یابند، بلکه از نیازها و خواسته‌های روستاها و مناطق دیگر نیز مطلع شوند و این رسالت بزرگ برعهده ارتباطات و رسانه‌هاست.^۳

پای^۴ آشکارا از گروه روشنفکران اقلیت جامعه^۵ دفاع می‌کرد و اظهار می‌داشت در جوامعی که از تجدد کمی برخوردارند، سیاست‌های ارتباطی باید از رهبران و نخبگان حمایت کرده و باعث نفوذ بیشتر آنها در جامعه شود.^۶

به‌طور کلی، روش اشاعه و تبلیغ اطلاعات به شیوه غربی توسط رسانه‌های جمعی، مشخصاً قوایندی یک جانبه است. بسیاری از طرح‌های توسعه به دلیل عدم مشارکت مردم، با شکست مواجه شده‌اند. اغلب پیام‌ها، حاوی دستورات، پیشنهادها، و قوانینی بوده‌اند تا مردم را به

1. Inkles and Smith

2. Göran, 1983, P.16.

3. IBID

4. Pye

5. Elite

6. Pye, 1963, P.229

شیوه‌ها و رفتارهای خاص و هدایت شده‌ای ترغیب کنند و همواره مهم‌ترین دغدغه برنامه‌ریزان و طراحان این بوده است که مردم به سیاست‌ها و روش‌های دولتی علاقه‌مند شده و در جهت امیال و آرزوهای آنان گام بردارند.

در روش دیکته شده، یک‌جانبه، و تلقینی که شیوهٔ همیشگی رسانه‌های ارتباط جمعی غرب بوده است، مشارکت مردم در اکثر موارد به مثابهٔ مؤلفه‌ای منفعل، فاقد اراده، و ناآگاه پنداشته شده است. به‌عنوان جمع‌بندی، لازم است که اشاره شود که بحث ارتباطات و توسعه، مقوله‌هایی بسیار پیچیده، مبهم، و مسئله‌آفرین هستند. این مشکلات ناشی از فزونی و ورود سایر علوم در پیچ و خم ارتباطات است که خود برخاسته از نظرگاه‌ها، مکاتب و باورهای مختلف است که بر این پیچیدگی‌ها افزوده‌اند.

اما علی‌رغم خوش‌بینی و بدبینی‌هایی که در مورد نقش ارتباطات در توسعه و تأثیرگذاری آن بر جامعه وجود دارد، وجه غالب نظریات به سوی اثرات مثبت است.

به‌کارگیری معقولانه، صحیح و متناسب وسایل ارتباط جمعی - همان‌گونه که در بخش بعدی خواهیم آورد - تأثیر به‌سزا و بلامنازعی در تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یک جامعه خواهد داشت.

هر مرحله از اجرای طرح‌های ارتباطات بستگی به در نظر گرفتن زیرساخت اجتماعی، اقتصادی، و بالاخص فرهنگی جامعه دارد. مسئله قابل تأکید اینکه همواره باید فرایند تحقیق و توسعه^۱ مد نظر دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران قرار گیرد. چه، وسایل ارتباط جمعی علی‌رغم بالا بردن بهره‌وری و کارایی جامعه در تمامی سطوح، می‌توانند توسط صاحبان و اربابان این وسایل، به‌عنوان حربه‌ای برنده برای اشاعهٔ فرهنگ مبتذل و انحطاط‌آفرین غرب و کشورهای سلطه‌گر قرار گیرند، و ضمن تبلیغ روش زندگی غربی، مصرف‌زدگی، وابستگی و بی‌بند و باری را برای جوامع در حال توسعه به ارمغان آورند.

در ذیل نقش و عملکرد ارتباطات و رسانه‌ها در جامعه، که برآیند نظرگاه‌های محققان این حوزه می‌باشد، برمی‌شماریم:

۱. رسانه‌ها می‌توانند زمینه‌های مناسب برای تحولات در جامعه را به‌وجود آورند: این تغییرات با اشاعه ارزش‌های نو و نوآوری‌ها، آرا و شیوه‌های رفتاری مطلوب برای جامعه، به‌وجود می‌آورند.

۲. رسانه‌های عمومی می‌توانند مهارت‌های جدید را آموزش دهند که از جمله می‌توان به

سوادآموزی، کشاورزی، بهداشت، و حتی تعمیر ماشین آلات اشاره کرد.

۳. رسانه‌های عمومی باعث افزایش دانش جامعه می‌شوند.

۴. ارتباطات و رسانه‌های عمومی در انتقال تجربیات دیگران به عنوان واسطه، بی‌نظیر هستند.

۵. ارتباطات میزان آمال، نیازها، و خواسته‌های جامعه را بالا می‌برد و باعث ایجاد انگیزش به منظور برآوردن نیازها می‌گردد.

۶. ارتباطات مردم را برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها آماده‌تر می‌سازد.

۷. ارتباطات مردم را دریافتن هنجارها و ایجاد هماهنگی در دهه انتقال، کمک می‌کند.

۸. ارتباطات می‌تواند ساختار قدرت را در جامعه سنتی، از طریق انتقال دانش و آگاهی دادن به مردم، تغییر دهد.

۹. ارتباطات باعث ایجاد حس ملی‌گرایی در جامعه می‌شود.

۱۰. ارتباطات می‌تواند به مردم کمک کند تا آنها درک بهتری از وضعیت خود به دست آورند.

این امر باعث شرکت گسترده‌تر آنها در فعالیت‌های سیاسی می‌شود.

۱۱. ارتباطات باعث تسهیل در امر برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه‌ای که مستقیماً پاسخ‌گویی نیازهای مردم باشد، می‌شود.

۱۲. ارتباطات توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در جامعه، فرایندی پیوسته

و پایدار می‌سازد.^۱

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
نقش ارتباطات در توسعه روستایی

برنامه‌های توسعه زمانی محقق می‌شود که تمامی دانش و فن‌آوری‌های بالقوه جامعه به‌طور مؤثری در میان آحاد جامعه از جمله روستائیان، اشاعه یابد. اگر مردم برانگیخته شوند به موفقیت دست می‌یابند و ارتباطات در این مرحله نقش محوری بازی می‌کند. برنامه‌ریزان با استفاده از امکانات ارتباطی می‌توانند برنامه‌های توسعه را تعیین و تدوین کنند، با مردم مشورت کنند تا نیازها، طرزفکرها و میزان دانش آنها را نسبت به مسائل خود بسنجند. کمک کردن به مردم به‌منظور ترغیب آنان برای اهداف ارتباطی می‌تواند به حل مسائل و مشکلات آنان کمک کرده و به زمینه‌های مشترک انجامیده و مشارکت آنها را برای اجرای برنامه‌ها و تصمیم‌گیری سبب شود.

ارتباطات نقش تعیین‌کننده و حساسی در ارتقای توسعه انسانی در روستا دارد. همگام با

پیشرفت دنیا به سوی دموکراسی و عدم تمرکز و همچنین گسترش بازار آزاد، شرایط برای مردم بیش از پیش مهیا می‌شود تا خود تغییرات اجتماعی را سبب شوند.

کشورهای در حال توسعه خود نمی‌توانند خدمات اجتماعی و اقتصادی را به‌ویژه در مناطق روستایی به عهده گیرند. دولت‌ها باید برای به‌کارگیری وسایل ارتباطی تلاش بیشتری کنند. در این زمینه می‌توانند از سازمان‌های غیردولتی و صاحب‌نظران دیگر نیز کمک بگیرند. همچنان‌که به پایان قرن حاضر نزدیک می‌شویم، مقوله‌هایی همچون توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، برابری، عدالت، امنیت اجتماعی، ریشه‌کنی بی‌سوادی، فقر روستایی، سوء تغذیه و حفاظت از محیط زیست و کشاورزی پایدار، چالش‌هایی هستند که به مدد وسایل ارتباط جمعی و اطلاع‌رسانی، قابل کنترل و برنامه‌ریزی هستند.

محیط زیست و ارتباط آن با توسعه کشاورزی پایدار و تولید مواد غذایی یکی از بزرگترین مشکلات قرن حاضر است، این منابع، اغلب توسط روستاییان فقیر به دلیل نداشتن امکانات و آگاهی مناسب از شیوه استفاده از زمین و تولید مواد غذایی و همچنین استفاده صحیح از درختان جنگلی که منجر به فرسودگی خاک و کاهش منابع آبی می‌شود، از طریق برنامه‌های توسعه، اعم از اشتغال‌زایی و تولید درآمد، قابل حل است. این طرح‌ها زمانی موفقیت‌آمیز خواهد بود که در مردم بتوان آگاهی و بینش ایجاد کرد و این رسالتی است عظیم بردوش علم ارتباطات و اطلاع‌رسانی. رشد بی‌رویه جمعیت یکی دیگر از چالش‌های دوران ما است که اثرات مستقیم و جدی بر کاهش منابع طبیعی و تولیدات مواد غذایی دارد و توان و انرژی زیادی را از دولت به‌منظور فراهم کردن خدمات و فرصت‌های ایجاد اشتغال می‌گیرد. همکاری در کنترل رشد بی‌رویه جمعیت روستایی در درجه اول، بستگی به انتخاب عزم و اراده روستاییان دارد و این امر مستلزم شناخت و آگاهی روستاییان از مسائلی همچون کنترل مولید، حاملگی‌های ناخواسته، روش‌های جلوگیری از بارداری است، حل این معضل صرفاً از طریق فرستادن پیام و به‌کارگیری یک جانبه وسایل ارتباط جمعی قابل حل نیست، بلکه این مهم بستگی به شناخت زیر ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روستا دارد. باید با روستاییان زندگی کرد و از آنها یاد گرفت و فرضیه و مسئله تحقیق را از دل آنها به وجود آورد. معضل دیگر، فقر روستایی است که سایه شوم آن، بر سر کشورهای بسیاری وجود دارد؛ فقر روستایی باعث تشدید مهاجرت از روستا به شهر شده و عواقب اجتماعی و اقتصادی معتنا بهی را به دنبال دارد. اغلب، جوامع روستایی به آگاهی‌ها و دانش سنتی بومی خود متکی هستند و به این دلیل است که در مقابل تغییرات مقاومت می‌کنند. برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه روستایی، می‌بایست با این مشکل نهادینه شده در روستاییان به‌طور معقول و علمی برخورد کرده و با برنامه‌های ارتباطی و

با استعانت از گروه‌های محلی و ایجاد رابطه با آنان - که در حال حاضر این ارتباط در کشورهای جهان سوم بسیار ضعیف است - از این بنیادها استفاده کرده و آنها را تقویت و حمایت کنند.

سوء تغذیه علت و نتیجهٔ عقب ماندگی است. در دهه‌های اخیر شاهد کاهش مداوم درآمد روزانهٔ خانوارهای روستایی و تأمین کالری مورد نیاز بسیاری از کشورها بوده‌ایم. در کنفرانس بین‌المللی تغذیه که در سال ۱۹۹۲ توسط فائو برگزار شد، اعلام گردید که بیش از ۷۸۰ میلیون نفر از مردم جهان از سوء تغذیهٔ مزمن رنج می‌برند و سالانه ۱۳ میلیون کودک زیر پنج سال از بیماری‌های عفونی ناشی از عدم تغذیه مناسب از بین می‌روند، این مصائب مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم به گرسنگی و سوء تغذیه مربوط می‌شود.^۱

تغذیه سالم و شیوه‌های استفاده از مواد غذایی صرفاً بستگی به دسترسی به مواد غذایی و یا اقتصاد خانوارهای روستایی ندارد، بلکه این امر بستگی به دانش کافی و استفاده مناسب از رژیم‌های غذایی نیز دارد.

مشارکت زنان در توسعه، مسئله‌ای است که از اولویت بالایی در برنامه‌ریزی‌های توسعه بالاخص توسعه روستایی برخوردار است. در کشورهای در حال توسعه، بار پر مشقت کار در مناطق روستایی عمدتاً بر دوش زنان است، هر زمان که به زنان فرصتی در جهت مشارکت در برنامه‌های توسعه داده شده ثابت شده که می‌توانند، فعالانه همچون مردان در برنامه‌ها مشارکت کنند؛ زنان به یادگیری مهارت‌ها، فنون جدید و علوم نیازمندند.

از طرفی، به زنان در زمینه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری نیاز مبرم احساس می‌شود، لذا برنامه‌های ارتباطی می‌توانند نقش بسزایی در خود اتکایی، خودبسایی و آگاهی دادن آنها در زمینه‌های حقوق اجتماعی، وظایف و مسئولیت‌های فرهنگی، به‌عهده داشته باشند.

در حدود یک میلیارد نفر از مردم کشورهای در حال توسعه (یعنی بیش از $\frac{۱}{۳}$ افراد بزرگسال) بی‌سواد هستند. دسترسی به جوامع روستایی به‌منظور آموزش‌دهی، از جهت دوری و پراکندگی مکانی، مشکل است. این جوامع معمولاً فاقد زیر ساخت‌های ارتباطی مناسب از جمله روزنامه‌ها رادیو و تلویزیون، تلفن، اتاق جلسات، مدارس و غیره هستند. مشکل اساسی برنامه‌ریزان افزایش کیفیت و کمیت اطلاعاتی روستاییان و دسترس پذیرکردن اطلاعات مورد نیاز آنان است. نظام‌های ارتباطی می‌توانند مبادلهٔ اطلاعات دو جانبه و دریاقت اطلاعات مناسب از روستاییان را به‌منظور طرح برنامه‌های توسعه، تسریع نمایند.

ما در عصر اطلاعات و ارتباطات به‌سر می‌بریم و دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و

اطلاع‌رسانی و روش‌های مبادله دیدگاه‌ها، بسیار آسان‌تر شده است. رادیوی ترانزیستوری ارزان قیمت، هم اکنون به دورترین نقاط کشورهای عقب مانده نفوذ کرده است و در ساخت ویدئو و سایر وسایل دیداری و شنیداری تحولات چشمگیری صورت گرفته، وسایل الکترونیکی هر روز کوچکتر و ظریف‌تر و ارزان‌تر می‌شوند و بالاخره در ساخت وسایل اشاعه منابع مکتوب همچون گرافیک و عکس، انقلابی به وجود آمده است.

رسانه‌های عمومی و سنتی از قبیل تئاترهای سنتی، رقص، نمایش عروسکی، اشعار محلی، روزنامه‌های روستایی و غیره نیز متحول شده‌اند و به‌طور وسیعی برای برنامه‌های توسعه و برنامه‌ریزی‌های ارتباطی به کار می‌روند. در صورت به‌کارگیری مناسب، این وسایل تأثیرات قطعی و به‌سزایی بر توسعه اطلاعات و تحریک و ترغیب جوامع روستایی به مشارکت در برنامه‌های توسعه، خواهند داشت.

از طرفی، مهارت‌های ارتباطی بین فردی مروجان و شیوه‌هایی از قبیل اداره و مدیریت بحث‌ها و گفت‌وگوهای دسته جمعی به مدد وسایل نوین و پیشرفته، به مراتب افزون‌تر شده است. با توجه به امکانات ارتباطی که هم اکنون می‌تواند در دسترس گروه عظیمی از مردم از جمله روستاییان قرار گیرد، دیگر به‌کارگیری این وسایل، مشکلی حاد نمی‌باشد، بلکه استفاده از این امکانات به اراده و خواست منطقی سیاستگذاران و برنامه‌ریزان بستگی دارد.

هرگونه برنامه‌ریزی که دریافت‌کنندگان اطلاعات را صرفاً به‌عنوان پیام گیران - و نه به‌عنوان عوامل اصلی تغییر و توسعه - در نظر گیرد، محکوم به شکست است. مشورت و همدلی با مردم در اتخاذ تصمیمات برنامه‌های توسعه، دوام و موفقیت برنامه‌ها را تضمین می‌کند.

برنامه‌ریزی، زمانی جامع و مؤثر است که بر روش‌هایی که مردم می‌خواهند و یا می‌توانند آن را انجام دهند، استوار باشد. برای تحقق این امر روش‌های ارتباطی، فراتر از سؤال و جواب ساده است. بحث‌های محتوایی توسط افراد خبیر و متخصص در زمینه ارتباطات بین فردی که بر مبنای آن نوع وسایل ارتباطی مشخص می‌شود، بسیار با اهمیت هستند. نظرات روستاییان برای برنامه‌های آتی توسعه و پایانی آن نیز بسیار مهم می‌باشد و برنامه‌ریزان را از افتادن در کژراهه‌ها دور می‌سازد. این امر با ایجاد اعتماد در آنان به وجود می‌آید.

وسایل ارتباطی می‌توانند بر تغییرات رفتاری و شیوه زندگی روستاییان در دراز مدت مؤثر باشند. مطالعات اخیر در ارتباطات حاکی از آن است که چگونه روستاییان، نوع و شیوه خاصی از زندگی را برمی‌گزینند. روش‌های ارتباطی میان فردی، از جمله مباحثات رودررو^۱ باعث

تقویت روحیه همکاری، عزت نفس، و ایجاد توان مقابله با مصائب طبیعی و ترسیم تصویری روشن تر از آینده می شود.

در اینجا لازم است که تجربه کشور مالای در زمینه کنترل رشد بی رویه جمعیت و مشارکت و همدلی مردم را متذکر شویم: این کشور برای برطرف کردن مشکل جمعیت تصمیم گرفت که از کلیه هنرمندان مردمی متشکل از نوازندگان، رقاصان، هنرپیشه‌ها، دلقک‌ها و داستان‌سرایان استفاده کند. این هنرمندان برای تبلیغ و اشاعه پیام مورد نظر پیکره واحدی را به وجود آورده بودند که به تعبیر امروز از آن به عنوان استفاده از چند "رسانه‌ای‌ها" یاد می شود. آنها با استفاده از تمهیداتی، آحاد مردم روستایی را با خواندن سرود، اجرای موسیقی و تئاتر محلی به مشارکت دعوت کردند. این طرح با موفقیت اجرا شد و تأثیرات عظیمی نیز در کنترل رشد جمعیت روستایی به ارمغان آورد.^۱

این طرح ساده ثابت کرد که استفاده از منابع سنتی و استعداد‌های بالقوه تا چه اندازه‌ای می تواند، موفقیت‌های چشمگیری به بار آورد. هدف اصلی طرح، تشویق و ترغیب مردم به مشارکت و بهره‌گیری از اطلاعات و دانش یکدیگر بود.

یکی دیگر از حوزه‌هایی که وسایل ارتباط جمعی می توانند در ارتقا و بهبود کیفیت آن نقش قاطع و تعیین کننده‌ای داشته باشند، آموزش است. وسایل دیداری - شنیداری به برنامه‌های آموزش و توسعه انسانی بسیار کمک می کنند. این مواد به دلیل قابلیت تکثیر آسان و انبوه می توانند، به طور وسیعی برای مناطق دور و صعب‌العبور روستایی به کار گرفته شوند. روستاییان می توانند موضوعات و مفاهیم را از طریق تصاویر ببینند و در مورد آنها به بحث و تبادل نظر پردازند و خط‌مشی‌هایی را قبل از انجام امور به برنامه‌ریزان و سیاستگذاران الهام دهند.

براساس تجربه فقط در یک نشست، با استفاده از امکانات دیداری - شنیداری کلیه روش‌های کشاورزی اعم از کاشت تا برداشت محصول، مشکل جنگل‌کاری و سوء تغذیه و راه‌های مقابله با آن را می توان به نمایش گذاشت. آموزش‌گیران از طریق تصاویر به نقاط دور سفر می کنند، از آن بازدید به عمل می آورند، این وسایل محدودیت زمانی و مکانی را در نور نزدیک تر دیده و آموزش‌گیران را به ماورای اقیانوس بیکران تجربه و دانش و عمل رهنمون می سازند.

سازمان بهداشت جهانی در گزارش ۱۹۹۲ اعلام کرد که استفاده نامطلوب و بی رویه از مواد شیمیایی و آفت‌کش‌ها، باعث مسمومیت ۴ میلیون نفر و مرگ ۱۵۰۰۰ نفر شده است.^۲ این سازمان اعلام کرد که این مواد شیمیایی و آلاینده جان میلیون‌ها نفر از مردم جهان را به طور جدی

1. Mathur, 1994, P.4.

2. Ibid

تهدید می‌کند.

تنها راه مقابله سریع و بی‌وقفه با این مشکل، استفاده از امکانات ارتباطی است تا آگاهی‌های لازم در مورد این خطرات و راه‌های مقابله با این مشکلات در مردم و روستائیان به‌وجود آید. در اینجا تجربه‌ای که کشور پرو در زمینه آموزش روستائیان با استفاده گسترده از ویدئو انجام داده است متذکر می‌شویم: کشور پرو از سال ۱۹۷۵ الی ۱۹۸۶ بیش از ۱۰۰۰ برنامه ویدئویی آموزش را برای استفاده ۴۵۰۰۰ کشاورز تولید و توزیع کرد. موضوعات آموزشی شامل مسائل کشاورزی و تولید دام، منابع طبیعی، جنگل‌داری، و پرورش آبزیان بود. محتوای آموزشی، به فراخور میزان دانش روستائیان تولید شده بود.

از آنجا که تعداد زیادی از کشاورزان بی‌سواد بودند، برنامه‌ها به‌صورت ساده و به زبان عامیانه تهیه شده بود. همراه با ویدئو کتاب‌هایی برای مروجان و آموزش‌گیران نیز تدارک دیده بودند تا بعد از مشاهده تصاویر به بحث و ارائه نظر بپردازند. در یک نظرسنجی ۹۲ درصد از آموزش‌گیران، استفاده از ویدئو را بسیار مفید دانسته و خود را در مزارع احساس می‌کردند. ویدئو و وسایل جانبی آن بسیار سبک بود و صرفاً با یک باطری کار می‌کرد، به دلیل این سهولت، مریبان قادر بودند بدون در نظر گرفتن بعد مکانی، در هر کجا، به آموزش روستائیان مشغول شوند. این طرح به کمک دولت و سازمان‌هایی همچون طرح توسعه سازمان ملل^۱، فائو صورت گرفت و بسیار موفق بود.

گاهی لازم است که اخبار و اطلاعاتی در مورد روش‌های جدید در زمینه‌های مختلف علوم و فنون و مسائل توسعه برای مردم یک منطقه و یا کل کشور اشاعه یابد. وسایل ارتباط جمعی می‌توانند اطلاعات وسیعی را در زمان کم، با هزینه کم و با بُرد مکانی بسیار، در اختیار مردم از جمله روستائیان قرار دهند. هزینه استفاده از رادیو، تلویزیون و سایر رسانه‌های الکترونیکی نسبت به سایر رسانه‌های مکتوب و استفاده از مروجان، بسیار کمتر است. به‌طور مثال، هزینه پخش برنامه‌های رادیویی ترویجی ۲۰۰۰ تا ۳۵۰۰ بار کمتر از هزینه‌های به‌کارگیری مروجان کشاورزی است^۲. گرچه اقدامات و شیوه آموزش مروجان بسیار مؤثرتر از رسانه‌های جمعی است، لکن با در نظر گرفتن فواید ذکر شده و هزینه‌های به‌عمل آمده، وسایل ارتباطی در اهداف به‌خصوصی بسیار کار سازتر و مؤثرتر هستند.

یکی از نمونه‌های مناسب به‌کارگیری وسایل ارتباط جمعی مربوط به کشور ساحل عاج است، در سال ۱۹۸۷ ملخ‌ها به مزارع کشاورزی حمله کردند و ۳۸۰۰ هکتار از مزارع این کشور را

مورد تهدید جدی قرار دادند.

استفاده از هواپیما و سمپاشی برای دام‌های منطقه بسیار خطرناک بود. لذا از طریق رادیو، با برنامه‌ای زمان‌بندی شده به روستاییان تفهیم شد که برای ریشه‌کشی و نابودی ملخ‌ها، باید دام‌های خود را به مدت سه روز از آن مناطق خارج کنند و بعد از سمپاشی و نابودی ملخ‌ها دوباره آنها را به آن مناطق بازگردانند. ظرف ۲۴ ساعت، دامداران، کلیه دام‌های خود را از آن مناطق خارج کردند و طرح سمپاشی با موفقیت با مرحله اجرا گذارده شد.^۱

این بار نیز دولت با به کارگیری یکی از رسانه‌های جمعی و مشارکت مردم توانسته بود، بر این مصیبت فایق آید.

در برهه‌ای از زمان، تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان و سازمان‌های دیگر، می‌باید از پیشرفت‌ها، موفقیت‌ها و برنامه‌های در حال اجرا و اجرا شده مطلع شوند تا آگاهی آنها افزوده گردد. وسائل ارتباطی ابزار بسیار مناسبی برای جلب توجه و حمایت تصمیم‌گیران است. برنامه‌های ویدئویی برای نمایش در جلسات و کنفرانس‌ها و استفاده از عکس و اسلاید به افراد این امکان را می‌دهد که فراتر از داده‌ها و آمارهای مجرد و خام، در زمان اندک اطلاعات مفیدی، به دست آورند.

از طرفی این وسایل به آنان فرصت می‌دهد که فارغ از مشکلات و فشارهای کاری، با تأمل و حوصله این اطلاعات را مطالعه کنند.

برنامه‌های متنوع رادیویی، مقالات علمی روزنامه‌ها و خبرنامه‌ها، می‌توانند پیوسته این افراد را از نیازها، مشکلات، و پیشرفت‌های امور آگاه ساخته و اطلاعات آنها را به روز سازند.

نتایج و پیشنهادها

در دو بخش گذشته سعی شد که ضمن بررسی تعاریف و همچنین سیری در دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف در زمینه ارتباطات و اطلاع‌رسانی، به اهمیت آنها در عصر فراصنعتی بپردازیم.

علی‌رغم پیچیدگی و ابهام و تنوع نظرها و دیدگاه‌های به کارگیری وسایل ارتباط جمعی در فرایند توسعه که منبث از باورشناسی‌های مختلف اندیشمندان این حوزه‌ها می‌باشد، تلاش بر آن بود تا در این زمینه به نقطه نظری واحد دست یابیم.

نظریه‌های قبلی ارتباطات عمدتاً مبتنی بر نگرش خطی بود که نوگرایی، تجدیدخواهی،

مصرف‌زدگی، و زندگی به شیوه غربی را تبلیغ و اشاعه می‌کرد. غالب این دیدگاه‌ها به دنبال تحقق آمال یک سویه ارتباطات هستند. بر مبنای این نوع نگرش‌ها، پیام و اطلاعات از یک مرکز، نهاد، و یا مؤسسه خصوصی و یا دولتی به صورتی هدفمند و هدایت شده برای مردم ارسال می‌شود و مردم صرفاً به عنوان پیام‌گیران، قلمداد می‌شوند.

اما همان‌گونه که تجربه نشان داده است، این نوع نگرش ضد توسعه بوده و باعث ترویج ارزش‌های حاکمان و دست‌اندرکاران و اشاعه فرهنگ ملل سلطه‌گر و استعماری می‌شود. چاره کار در به کارگیری خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی است که محور توجه آن، "مردم" باشند که به تعبیر امروزی برنامه‌ریزی‌های عمومی و یا از پایین به بالا است.

به کارگیری این روش، باعث خواهد شد تا برنامه‌ریزی ارتباطات بر اساس نیازها، خواسته‌ها و مشکلات مردم جست‌وجو و تدوین شوند. بر این اساس، باید با مردم زندگی کرد و مسائل، فرضیات، و الگوها را بر اساس خواسته‌ها و نیازهای آنان بنا نهاد. در آن زمان، مردم وسایل اطلاع‌رسانی و ارتباطی را به مثابه آینه خواسته‌ها، و مشکلات خود خواهند یافت و احتمالاً در تمامی مراحل توسعه مشارکت خواهند کرد. در این زمان است که نقش و عملکرد مثبت ارتباطات متجلی خواهد شد. از طرفی به کارگیری ارتباطات به شکل صحیح، جریان آزاد و دوسویه اطلاعات را میان مردم و مسئولان، برقرار خواهد کرد. اطلاعات و ارتباطات به منزله دو بال پرندۀ توسعه محسوب می‌شوند، اگر یکی از بال‌ها کاستی و نقصی بیابد، بال دیگر نمی‌تواند به خوبی عمل کند.^۱

اشاعه و به کارگیری این دو، مشروط به بکارگیری صحیح و مناسب فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی است.

یکی از مهم‌ترین مسائل کشورهای در حال توسعه، عدم توزیع امکانات و ابزارهای ارتباطی و اطلاع‌رسانی در این کشورها است که باعث تمرکز بیش از حد این وسایل در شهرهای بزرگ شده و روستاییان را از این وسایل محروم کرده است.

همچنین در این کشورها خلاء نظامی یکپارچه و هدفمند ارتباطی و اطلاع‌رسانی که بتواند نیازها و خواسته‌های روستاییان را بررسی و ارزیابی کرده و به اجرا گذارد، بسیار محسوس است. عدم تحقق این امر منجر به استفاده افراطی از فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی وارداتی در شهرها می‌شود. بر این معضل، مدیریت غلط را نیز باید افزود.

برای کشورهای در حال توسعه ضرورت فوری دارد که به منظور دست یافتن به خود اتکایی،

خودکفایی را در زمینه توانایی‌ها، منابع و نیروی انسانی محلی برگزینند. تجربه‌های گذشته نشان داده است که اتکا به منابع خارجی، به شکل تازه‌ای از وابستگی و صورت جدیدی از استعمار خواهد انجامید. بنابراین، لازم است که این کشورها، مؤسسات بومی تحقیق و توسعه ایجاد کنند. و در زمینه‌های گوناگون فن‌آوری‌های ارتباطات و اطلاع‌رسانی دست به تحقیق محض و کاربردی اصیل بزنند.

به نظر می‌رسد که در این برهه، نظام ملی یکپارچه اطلاعات روستایی، برای تأمین نیازهای اطلاعاتی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، و فن‌آوران ارتباطی به وجود آید. هدف از این نظام فراهم کردن اطلاعات اجتماعی، فرهنگی، بومی، و روستایی به منظور تحقیقات بنیادی در زمینه‌های مختلف از جمله "ارتباطات و اطلاع‌رسانی" می‌باشد. با تشکیل این نظام، فعالیت‌های ذخیره، بازیابی، و اشاعه اطلاعات به شکلی یکپارچه و هدفدار در سراسر کشور صورت خواهد گرفت. عدم بهره‌گیری کافی از ارتباطات و اطلاع‌رسانی در کشورهای جهان سوم و کشور ما، ریشه در نبود نظام منسجم اطلاعاتی روستایی و تعدد مراکز تصمیم‌گیری دارد. این نظام می‌تواند با همکاری سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل، سازمان جهانی خواربار و کشاورزی و مؤسساتی که در ارتباط با مسایل توسعه روستایی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای هستند، صورت پذیرد. ارزیابی کامل تجربیات موفق و یا شکست خورده در برنامه‌ریزی‌های مختلف، نتایج به‌دست آمده، موانعی که در زمینه انتقال فن‌آوری وجود داشته، به‌وجود آوردن بینش و راهبردهایی برای کشور ما از جمله مزایای به‌کارگیری این نظام است.

با ظهور و گسترش تسهیلات و امکانات جدید اطلاع‌رسانی، شبکه‌های بین‌المللی، محلی و منطقه‌ای، پست الکترونیکی، ارتباطات ماهواره‌ای، کنفرانس‌های ویدئویی و غیره می‌توان به کلیه پایگاه‌های اطلاعاتی در سراسر جهان در حوزه‌ای خاص دست یافت، و اهداف ارتباطات و اطلاع‌رسانی را با پشتوانه علمی بیشتری در سراسر روستاها دنبال کرد. علاوه بر آن، می‌توان به آموزش هر چه بیشتر دست‌اندرکاران ارتباطات و اطلاع‌رسانی کمک کرد. از این‌رو پیشنهاد می‌شود که در این مقطع مطالعه‌ای همه‌جانبه برای تشکیل این نظام صورت گیرد.

مآخذ

۱. آرلی، جان ای. "به سوی سیاست‌های ارتباطی واقع بینانه..." ترجمه خسرو جهاننداری، تهران: سروش، ۱۳۵۶.
- اسمیت، آنتونی. *ژئوپولیتیک اطلاعات*. ترجمه فریدون شیروانی. تهران: خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۲.
۲. حُری، عباس. "اطلاعات و توسعه" در: *مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی*. تهران: دبیرخانه هیأت اسنای کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۷۲.
۳. محسنیان‌راد، مهدی. *ارتباط جمعی و توسعه روستایی*. تهران: وزارت جهادسازندگی، معاونت ترویج و

مشارکت مردمی، ۱۳۷۴.

۴. مفتح، کاووس. انتقال تکنولوژی؛ راهبردی برای خوداتکایی علمی فنی کشورهای خاورمیانه. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: کویر، ۱۳۷۳.

5. FAO. *Communication: A Key to Human Development...*. Rome: FAO 1994.
6. FAO. *Communication for Development: Report of 1994-1995*, Rome: FAO, 1995.
7. Florangel, Rosario – Brai. *Communication Strategies for Improvement*, Tokyo: APO, 1983.
8. Göran, Hedebreo (1982). *Communication and Social Change in Developing Nations: A Critical View*. Iowa: Iowa University, 1982.
9. Lee, John (1978), *Towards Realistic Communication Policies: Recent Trends and Ideas Compiled and Analysed*. Paris: Unesco, 1976.
10. Mathur, K.B. (1994), *Communication for Development and Social Change*, New Delhi: Paris, France, Allied Publishers.
11. Mowlana, Hamid (1988). *Communication Technology and Development*, Paris: Unesco.
12. Pye, L. W.(1963), *Communication and Political Development*, Princeton: Princeton University.
13. Shah Shojace, Ali (1994) *Information Technology Management in Developing Countries: An Overview of Iran's Condition; Paper Presented at Seminar on Information Systems in Rural Areas*, Tokyo: APO.
14. Woods, John (1977), *Development and Communication: Bringing Them Closer Together through Training*. UNDP.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی